

نقد و بررسی دیدگاه جورج شگور درباره ی رسول خدا در «ملحمة الرسول»

زهرا خسروی^۱

فاطمه السادات ارفع^۲

چکیده

جورج شگور ادیب معاصر مسیحی از لبنان، برای رسول خدا و خاندان ایشان احترامی ویژه قائل است. از جمله آثار وی، ملحمة الرسول است که در بیش از هزار بیت سروده شده و به وقایع تاریخی از ولادت تا وفات رسول خدا اشاره کرده است. شگور در این ملحمة رسول خدا را پیام آور دوستی و محبت معرفی نموده، ایشان را میراث دار پیامبران گذشته می داند که همان روش و شیوه آنها را ادامه داده است. وی ضمن بیان حوادث زندگی رسول خدا به ترسیم فضایل اخلاقی و ویژگی های ایشان پرداخته و امانتداری، صداقت، وفای به عهد و صبر و استقامت رسول خدا را می ستاید.

کلید واژه ها: رسول خدا، جورج شگور، ملحمة الرسول

Zah.khosravi.vamakani@iauctb.ac.ir

Fa_arfa@yahoo.com

^۱ دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

^۲ دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مقدمه

ملحمه در لغت به معنای جنگ و درگیری شدید بوده، به محلّ جنگ و میدان کارزار هم اطلاق شده است. (ابن منظور، ۲۰۰۵م، ماده لحم) و در اصطلاح به قصیده ای طولانی اطلاق می شود که در آن زندگی قهرمان ملی، دینی یا اسطوره ای با اعمال خارق العاده ترسیم می شود. محور ملحمه، زندگی این قهرمان است که حوادث زندگی او با تاریخ، پیوندی تنگاتنگ دارد و در آن به وصف ویژگی ها، مدح دلاوری ها و شجاعت های او پرداخته می شود. (هلال، ۱۹۶۲م، ۱۴۳؛ خفاجی، بی تا، ۱۰۴/۳)

اینگونه داستان ها از لحاظ ملی اهمیتی بسیار دارند، بدین جهت که تاریخ، آرمان ها و اندیشه های یک ملت و منزلت عظیم آن را با روش متعالی و افتخار آمیز به تصویر می کشند. (بقاعی، ۱۹۸۵م، ۲۶۲؛ کزازی، ۱۳۷۶، ۱۸۴)

ملحمه به این مفهوم اصطلاحی در ادبیات کهن عرب کاربرد نداشته، آنگونه که در ادب فارسی یا غربی استعمال می شده است. ملحمه در ادبیات معاصر عرب به عنوان یکی از انواع ادبی مطرح شده و در این میان ملحمه های دینی و اسلامی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده اند. آنچه سابقاً به عنوان حماسه در ادب عربی مطرح بوده است، نه یک نوع ادبی، بلکه غرضی از اغراض شعر همچون وصف و هجا به شمار می رفته است. برخی گمان کرده اند که شعر ملحمی، شعری است که به دلاوری جنگاوران در نبرد و ذکر اتفاقات جنگی بپردازد و دلاوری صحنه ی نبرد را موضوع غالب این شعر دانسته اند، از این رو مفهوم حماسه و ملحمه نزد آنها درهم آمیخته است. در حالی که مطلب عکس است، شعر ملحمی، شعری قصصی است که موضوع آن دلاوری در جنگ و صلح هر دو است. (بقاعی، ۱۹۸۵م، ۲۶۶)

برخلاف ادبیات کلاسیک عرب، در ادبیات معاصر، گرایشاتی به ملحمه سرایی پیدا شده و ملاحظم بسیاری در موضوعات مختلف به نظم درآمده است که علت آن را بیداری روح ملی گرای عرب از آغاز قرن حاضر تاکنون و توجه به مجد و سرفرازی گذشته بیان می کنند. (مقدسی، ۱۹۸۲م، ۳۹۵) از آن جمله می توان به «الإلیاذة الإسلامية» اثر احمد محرم، «دول العرب و عظماء الاسلام» احمد شوقی اشاره نمود. در این میان برخی از شاعران مسیحی نیز، با

دیده‌ی احترام و ابراز ارادت به شخصیت‌های اسلامی همچون رسول خدا، امام علی (ع) و امام حسین (ع) به ملحمه سرایی پرداخته‌اند.

جورج شکور و ملحمه الرسول

شکور در ماه نisan سال ۱۹۳۵م در روستای شیخان لبنان چشم به جهان گشود. (یعقوب، ۱۴۲۵ق، ۲۸۵/۱) وی در خانواده‌ای رشد و نمو یافت که همگی علاقمند به شعر و شاعری بودند. شکور از سن ۱۶ سالگی سرودن شعر را آغاز نمود و زمانی که دوران دبیرستان را سپری می‌کرد به دلیل اشعاری که سروده بود، بین شعرای زمان خود مشهور گشت. (شکور، ۲۰۰۶م، ۱۲)

شکور با توجه به اشعاری که در مدح و وصف امام علی (ع)، امام حسین (ع) و رسول خدا سروده است از منزلت اجتماعی خاصی در بین کشورهای اسلامی به خصوص جمهوری اسلامی ایران برخوردار گردیده است، وی هم اکنون عضو جمعیت فرهنگی عربی و عضو اتحادیه نویسندگان لبنانی می‌باشد و بسیاری او را فقط به عنوان شاعر در نظر نمی‌گیرند، بلکه وی را استاد شعراء می‌دانند. (داغر، ایمیل، ۱۳۹۱/۱۰/۱۰)

از جورج شکور چندین مجموعه‌ی شعری منتشر شده است از آن جمله می‌توان به «وحدها القمر»، «کلمات للحلوین»، «زهرة الجمالیا»، «عیناک أم فیروزتان»، «مرآة میرا» و «عنهم و عنی» اشاره نمود.

ملحمه الرسول در سال ۲۰۱۰ در ۶۷ قصیده و ۱۱۰۰ بیت سروده شده است. این نخستین بار است که یک شاعر غیرمسلمان به روایت زندگی پیامبر می‌پردازد. البته پیش از این بولس سلامة شاعر مسیحی لبنانی در «ملحمه الغدیر» به برخی از فرازهای زندگی رسول خدا اشاره‌ای داشته است. (سلامه، ۱۴۱۰ق، ۴۷-۱۸)

شکور در این ملحمه از شرایط اجتماعی و فرهنگی قبل از میلاد رسول خدا در جزیره العرب آغاز کرده و از ولادت تا رحلت ایشان را به نظم درآورده است. وی تلاش نموده با استفاده از کتب تاریخی و سیره‌ی پیامبر به همه‌ی حوادث و رویدادهای مهم تاریخ اسلام بپردازد.

نکته ای که باید در نوع نگاه شگور مورد توجه واقع شود ، اعتقاد وی به عظمت و بزرگی رسول خدا و اهل بیت: ایشان می باشد. وی معتقد است زندگی این انسان های بزرگ در میان برگ های تاریخ همراه با حقیقت بوده پس با دیده ی احترام و بدون تعصب به تاریخ و واقعیت های آن نگریسته و به آن اعتراف می کند.

وی ملحمه را با این ابیات آغاز کرده است:

رَسُولَ اللَّهِ، وَحَيْكَ لِي سَنِيٌّ غَدًا سَيُقَالُ بَعْدِي طَابَ شِعْرٌ	كَمَثَلِكَ يَوْمَ أَلْهَمَكَ الْعَلِيُّ بِهِ مَدْحَ الْبُؤَةِ عَيْسَى (۷، ۲۰۱۰م)
---	--

ای رسول خدا! پیام الهی که خداوند به تو الهام نموده ، در نظر من با شکوه و عظیم است همچون خود تو که بلند مرتبه و رفیعی . / فردا پس از من گفته خواهد شد: خوشا شعری که یک مسیحی با آن پیامبر را ستوده است.

در این مقاله دیدگاه جورج شگور مسیحی در مورد شخصیت رسول خدا* مورد بررسی واقع می شود.

۱- پیامبر اسلام پیام آور محبت و برادری

رسول خدا در رفتارهای فردی و اجتماعی پیام آور صلح و محبت بوده و رفتار مسالمت آمیز و همراه با عطوفت ایشان یکی از مهمترین دلایل جذب مردم و تسخیر قلب ها بوده است. بر همین اساس خداوند یکی از ویژگی های پیامبر را رأفت و مهربانی دانسته و می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَكَو كُنْتَ فَطًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران، ۱۵۹) به سبب رحمت الهی با آنان نرمخو و مهربان شدی ، اگر تندخو و سخت دل بودی، بی شک از اطرافت پراکنده می شدند. پیامبر خود می فرمودند: «أمرني ربي بمداواة الناس كما أمرني بأداء الفرائض». (کلینی، ۱۳۶۲ ، ۱۱۷/۲) پروردگارم مرا به مدارا و نرمی با مردم دستور فرمود همانگونه که به انجام واجبات امر نمود.

با بررسی آیات، روایات و سیره ی عملی رسول خدا این مطلب به وضوح نمایان می گردد که اسلام دین رأفت، مهربانی و مدارا بوده و این اشتباه غلط و بزرگی است که برخی

مرتکب شده و گفته اند: اسلام دعوت خود را با شمشیر گسترش داده است. (امینیان، ۱۰۸، ۱۳۸۷) اسلام دین عقیده و ایمان است و ایمان با زور و شمشیر در دلها جا نمی‌گیرد. دلها تنها در برابر حجت و برهان خاضع می‌شود. چنانچه قرآن می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (البقره، ۲۵۷) هیچ اکراهی در دین نیست، همانا راه هدایت از ضلالت بر همگان روشن و واضح گردید. اگر اسلام دست به شمشیر هم برده، تنها در برابر کسانی بوده که در خودداری از ظلم و فسادشان به آیات و براهین قانع نشده و پیوسته خواسته اند سنگ در راه دعوت به حق بیندازند. اسلام در برابر این گروه شمشیر می‌کشد نه از آن جهت که آنان را به سوی دین بخواند بلکه به دلیل رفع شر آنهاست و این قرآن کریم است که با بانگ رسا اعلام می‌دارد: «قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» (البقره، ۱۹۳) با کفار بجنگید تا فتنه ای برجا نماند.

در دوران معاصر که گسترش روزافزون مسلمانان در دنیای غرب، ترس و دلهره را در وجود اسلام ستیزان نهاده است، هجمه‌ها بر علیه دین اسلام و رسول خدا افزون گردیده است. وسایل ارتباط جمعی و برخی از نظریه پردازان غربی در کوششی هماهنگ دائمی اسلام را با عبارات منفی و پیوسته با عناصر نامطلوب نمایش می‌دهند تا اسلام و مسلمانان را پدیده ای هولناک نشان دهند که باید تحت کنترل در آیند. (کارلسون، ۱۳۸۰، ۲۲) در این میان انسان های حق طلبی هستند که بدون توجه به هیاهوی ساختگی غرب به دنبال حقیقت بوده و خود را در حصار تبلیغات دروغین زندانی نمی‌کنند. جورج شگور مسیحی یکی از این انسان های جویای حقیقت است که در مصاحبه اش چنین می‌گوید: «من در خلال مطالعاتم از دین اسلام، تاریخ اسلام و قرآن هیچ چیز ناخوشایندی ندیدم و بر این باورم که تمامی ارزش های اسلام، محبت، عدالت و ایمان است که برای تمامی انسان ها قابل تعمیم می‌باشد.» (سایت تابناک، ۱۳۸۹/۹/۱۹) وی در آیات متعدد از ملحمه اش بر این موضوع تأکید می‌ورزد و اسلام را پیام آور صلح و دوستی، محبت و برادری می‌داند.

بِمَوَدَّةٍ طَابَتْ وَ نَفَحِ سَلَامٍ	كَمْ أَقْبَلَتْ فَرَقًا عَلَى الْإِسْلَامِ (شکور، ۲۰۱۰م، ۱۲۲)
---------------------------------------	--

گروه های بسیاری به واسطه ی محبت و صلح و دوستی در اسلام ، به آن ایمان آوردند.

وَرَسُولٌ يَمْنَحُ النَّاسَ هَوًى	وَ إِخْوَاءٌ وَ تَعَالِيمٌ عَلَيْهِ
	(همان، ۱۱۹)

پیامبر اسلام برای انسان ها محبت ، برادری و تعلیمی والا به ارمغان آورده بود .

هَمُّهُ كَانَ أَوْلًا وَ أَخِيرًا	نَشَرَ تِلْكَ الْعَقِيدَةَ السَّمْحَاءِ
وَ ضَمَانَ الْأَمَانِ لِلْمُؤْمِنِ الْهَذَا	نِي، وَ رُوحِ الْإِخَاءِ فِي الْأَرْجَاءِ (همان، ۱۱۶)

اولین و آخرین دغدغه ی پیامبر، گسترش دین اسلام / امنیت برای انسان ها و ایجاد روح

برادری در همه جا بود.

۲- پیامبر اسلام میراث دار پیامبران گذشته

ایمان و اعتقاد به پیامبران گذشته یکی از ارکان اعتقادی اسلام است که در آیات مکرری از قرآن مجید به آن اشاره شده و تأکید گردیده است که مسلمانان باید به تمام پیامبران ایمان داشته و میان آنها تفاوتی قائل نباشند. «قُولُوا، آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ مَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَأُفَرِّقَنَّ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (البقره، ۱۳۶) بگوئید ما به خدا و آنچه به سوی ما نازل شده و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان آنان فرود آمده و به آنچه به موسی و عیسی و آنچه به پیامبران از ناحیه پروردگارشان داده شده ایمان می آوریم . میان هیچ یک از آنان فرقی نمی گذاریم و ما در برابر او تسلیم هستیم.

پیامبران رشته ی واحدی را تشکیل می دهند که با همه ی اختلافات فرعی و شاخه ای، حامل یک پیام و وابسته به یک مکتب بوده اند. پیامبران پیشین مبشر پیامبران پسین و پیامبران در هر زمان مصدق و مؤید رسولان گذشته بوده اند. «وَ إِذْ قَالَ عِيسَىٰ ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِن بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ»

(الصف، ۶) هنگامیکه عیسی بن مریم گفت: ای بنی اسرائیل! به یقین من فرستاده ی خدا به سوی شما هستم. تورات را که پیش از من بوده تصدیق می کنم و به پیامبری که بعد از من می آید و نامش احمد است بشارت می دهم.

جورج شکور نیز در ملحمه خود بر این موضوع تصریح نموده و به اعتقاد رسول خدا به ادیان و پیامبران گذشته اشاره می کند، ایشان را میراث دار رسولان سلف می داند که همان روش و شیوهی آنها را ادامه داده است.

وَقَلْبُكَ صَادِقُ الرُّؤْيَا نَقِيٌّ	وَرَتَّبَهُمَا مَعًا مُوسَى وَعِيسَى
(۷، ۲۰۱۰م)	

تو وارث موسی و عیسی «علیهما السلام» هستی، قلبت پاکیزه و تجلی گاه رؤیایی صادق است.

وَالْمُشْرِكُونَ بَنَهَجِهِمْ إِفْسَادُ	هُوَ نَهَجُ عِيسَى فِي السَّمَاةِ وَالْثَّقَى
(همان، ۴۹)	

آیین اسلام در بخشش و پرهیزگاری همان روش عیسی (ع) است و روش مشرکان، ایجاد فساد است.

شکور به گفتگوی یهود و نصاری با پیامبر درباره اعتقاد ایشان به پیامبران گذشته (نک:

طبرسی، ۳، ۱۳۷۲/۳۴۵) اشاره نموده و چنین می گوید:

أَوْ مُؤْمِنٌ بِالرُّسُلِ وَالْكَبَّارِ	سَأَلَ النَّصَارَى وَالْيَهُودُ مُحَمَّدًا
الْمُرْسَلُونَ وَهَبَّتْهُمْ إِثَارِي	فَأَجَابَهُمْ حَالًا بِمَا يُوحَى لَهُ:
أَبَدِيَّةٌ تَبْقَى عَلَى الْأَدْهَارِ	وَجَمِيعُ مَا جَاؤُوا بِهِ لِحَقِيقَةٍ
(شکور، ۲۰۱۰م، ۱۲۷)	

مسیحیان و یهودیان از رسول خدا پرسیدند که آیا به پیامبران گذشته ایمان دارد؟ / پس رسول خدا با آنچه به او وحی شده بود پاسخ داد: ایشان را بزرگ و گرامی می دانم. / و قطعاً تمام آنچه ایشان آورده اند حقیقتی ابدی است که در روزگاران باقی می ماند.

وی پارا فراتر گذاشته و پیروزی های پیامبر را در رسیدن به اهداف الهی بیش از پیامبران

گذشته می‌داند.

فَاتِحَ كَمِ حَازَ مِنْ نَصْرِ مُبِينٍ حَقٌّ فَالْحَقُّ شِعَارُ الْحَاكِمِينَ (همان، ۱۱۸)	زَادَ عَنِ مُوسَى وَعِيسَى أَنَّهُ نَشَرَ الْإِسْلَامَ أَعْلَى كَلِمَةَ الْ
---	--

پیروزی پیامبر اسلام از موسی و عیسی «علیهما السلام» بیشتر بود و چه پیروزی‌ها که به دست او به انجام رسید، / اسلام را گستراند و کلمه‌ی حق را اعتلا بخشید، حق همیشه شعار فرمانروایان است.

شکور همچنین به وعده‌ی پیامبران گذشته به رسالت رسول خدا اشاره نموده و از زبان خزر جیان که در موسم حج به مکه آمده و سخنان پیامبر را شنیده بودند، (نک: ابن هشام، بی تا، ۴۲۹/۱-۴۲۸) چنین می‌سراید:

أَنَّهُ حَقًّا نَبِيٌّ وَسَيَعْبُدُ فَاسْبِقُوا أَنْتُمْ إِلَىٰ دَرَبِ مُمَهَّدٍ وَهُوَ الْهَادِي إِلَىٰ الْعَيْشِ الْمُبْدَىٰ (شکور، ۲۰۱، م، ۹۱)	نَظَرُوا بَعْضٌ إِلَىٰ بَعْضٍ رَضَىٰ وَبِهِ كَانَ يَهُودٌ وَعَدُوا وَاتَّبَعُوهُ إِنَّهُ مُتَقَدِّمٌ كُمْ
--	---

با خشنودی به یکدیگر نگریستند و گفتند: به راستی که او فرستاده‌ی خداوند است و مورد اطاعت واقع خواهد شد. / همان پیامبری که یهود وعده رسالتش را داده بود. پس به سوی مسیری آماده برای هدایت، از یکدیگر سبقت بگیرد. / از او پیروی کنید که او نجات دهنده شماست، هدایتگری به سوی زندگانی جاوید و ابدی.

۳- فضایل اخلاقی رسول خدا

حسن اخلاق و ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد رسول خدا نقش کلیدی در تربیت جامعه‌ی اسلامی، تبلیغ و ترویج دین و گسترش اسلام داشت. رسول خدا که رسالتش را تتمیم مکارم اخلاقی (متقی هندی، ۱۴۱۳ق، ۱۲۵-۱۵۱) معرفی نموده بود، افعال و رفتارش در همه‌ی شؤون فردی و اجتماعی، همراه با رعایت ارزش‌های اخلاقی بود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَدَّبَ نَبِيَّهُ فَأَحْسَنَ أَدَبَهُ فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» ثُمَّ

فَوْضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَالْأُمَّةِ لَيْسُوسَ عِبَادَهُ» (کلینی، ۱۳۶۲، ۱/۲۶۶) خدای سبحان رسولش را به بهترین و نیکوترین آداب الهی مؤدب نمود پس وقتی که ادب او به کمال رسید، امور دینی و دنیوی مردم را به آن حضرت واگذار کرد.

شکور با احترام به ساحت مقدس رسول خدا ضمن بیان وقایع تاریخی زندگانی رسول خدا به برخی از فضایل اخلاقی ایشان پرداخته و رسول خدا را به این صفات ستوده است، او نگاه خود را به شخصیت رسول خدا اینگونه تبیین می کند: «از آنجا که انسان ها قبل از ادیان وجود داشته اند و من در ادیان مختلف هر آنچه زیبا و نیکوست، دوست دارم و در قلبم هیچ تعصبی وجود ندارد، بسیار طبیعی است که در مورد انسان های بزرگی چون رسول خدا شعر بسرایم. (سایت تابناک، ۱۳۸۹/۹/۱۹)

توجه به صفات و ویژگی های اخلاقی از آنجا مهم و ضروری می نماید که رهبری یک جامعه که داعیه دار یک حکومت جهانی است، دارای خصوصیتی خواهد بود که وی را منحصر به فرد با ویژگی هایی یگانه و بی نظیر معرفی می نماید. این خصوصیات و فضایل اخلاقی است که دل انسان ها را مجذوب و شیفته ی خود ساخته و در راستای اهداف ادیان الهی، راه را برای کمال و تعالی جوامع انسانی هموار می سازد.

شکور نیز معتقد است زمانی که رهبر یک حکومت جهانی از فضایل اخلاقی و تقوی برخوردار باشد، قلوب مؤمنین به سوی او متمایل می شود.

إِلَيْهِ قُلُوبُ الْمُؤْمِنِينَ تَمِيلُ	إِذَا الْقَائِدُ الْأَعْلَى تَمَتَّعَ بِاللَّتْفِ
(۷۷، ۲۰۱۰م)	

۳-۱ امانتداری

از ویژگی های رسول خدا که زبانزد عام و خاص بوده و پیش از بعثت نیز با این لقب مشهور بودند، امانتداری ایشان بود. داستان نصب حجرالاسود (نک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۲۳۳/۱) نمونه ای از شهرت ایشان به این لقب است، همین ویژگی پیامبر بود که موجب شد تا ایشان در حل اختلاف بین قبایل نقش مثبت و تأثیرگذار داشته باشند. رسول خدا آنچنان بر این صفت تأکید می ورزیدند که انسان های بی بهره از این ویژگی را اساساً بی ایمان می دانستند.

(راوندی، ۱۳۷۰ق، ۵) از نظر ایشان یکی از مهم‌ترین ملاک‌های سنجش و ارزیابی انسان‌ها امانتداری آنهاست. ایشان کثرت نماز، روزه و حج را نشانه‌ی ایمان ندانسته بلکه راستگویی و امانتداری را از مشخصه‌های انسان مؤمن می‌شمردند. (همانجا)

شکور در ترسیم داستان قضاوت رسول خدا در ساخت دیوار کعبه به این لقب ایشان پرداخته و پس از بیان اختلاف قبایل در نصب حجر الأسود، اینگونه به حضور رسول خدا اشاره می‌نماید.

فِي الْمَسْجِدِ السَّامِيِّ يَطُوفُ وَيُرْكَعُ هَتَفُوا بِهِ هُوَ ذَا الْأَمِينِ الْأَمْعُ قَالَ الْأَمِينُ عَلَى رِدَاءٍ يُرْفَعُ (۲۰۱۰م، ۱۹-۲۰)	فَرَأَى لَهُمْ حَكْمًا بَأْوَلِّ دَاخِلٍ وَيَشَاءُ رَبُّكَ أَنْ يَكُونَ مُحَمَّدًا مَذْأَبُ خَيْرِهِ مَا أَصَابَ جُمُوعَهُمْ
--	--

پس چنین شد که نخستین نفری را که وارد مسجد الحرام شده و قصد طواف و نماز نمود، به حکمیت پذیرند. / خداوند اینگونه خواست که او محمد باشد، فریاد زدند او همان امین بزرگوار است. / رسول خدا را از آنچه بر ایشان گذشته بود با خبر ساختند و او گفت: سنگ را بر روی عبا گذاشته و بلندش کنید.

شکور بار رسالت را امانتی توصیف می‌کند که رسول خدا صلاحیت دریافت آن را داشته، از آن جهت که او به صفت امانتداری شهرت دارد و در امانت هرگز خلل و خدشه‌ای وارد نمی‌سازد. او با این امانت که بر دوش او نهاده شده است، مردم را اصلاح کرده و به صلاح و درستی نزدیک می‌نماید.

تُصَلِّحُ النَّاسَ وَ كَمْ تُرْضِي الْعُلَى (همان، ۲۲)	الْأَمَانَاتُ الَّتِي يَحْمِلُهَا
---	-----------------------------------

۲-۳ صداقت و راستگویی

صداقت یکی از ویژگی‌ها و فضایل بسیار مهم اخلاقی است که در صورت همگانی شدن، اعتماد افراد در جامعه به یکدیگر مستحکم شده و جامعه‌ی انسانی به امنیت خواهد رسید. خداوند متعال مؤمنان را پس از سفارش به تقوای الهی به وارد شدن در زمره‌ی راستگویان فرا

می خواند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (التوبه، ۱۱۹) ای مومنان تقوای الهی پیشه کنید و با راستگویان باشید.

شکور، رسول خدا را صادق ترین افراد در گفتار و کردار معرفی می کند.

هُوَ أَكْرَمُ الْكِرْمَاءِ أَصْ	دَقَّ كُلِّ مَنْ فَعَلُوا وَقَالُوا (۲۰۱۰م، ۱۲)
---------------------------------	--

وی استناد رسول خدا به صداقت خود در ابتدای بعثت را یادآور شده و بیان می دارد که پس از دستور به دعوت علنی از جانب خداوند، رسول خدا از قریش در خصوص صداقت در کلام خود پرسش می کند و آنها نیز بر صداقت ایشان مهر تأیید زده و بر آن اعتراف می کنند. (نک: مقریزی، ۱۴۲۰ق، ۴/۸۶)

قَالَ لَوْ أُخْبِرْتُمْ خَيْلَ نَوْتٍ كُنْتُمْ صَادِقْتُمْ مَا قُلْتُمْ؟	تُضْمِرُ الْبَطْشَ عَلَيْكُمْ أَنْ تُغَيِّرَا فَأَجَابُوهُ نَعَمْ قَوْلًا جَهِيْرًا (همان، ۳۳)
---	--

پیامبر فرمود: «اگر به شما بگویم که سوارکاران دشمن قصد حمله به شما را دارند و بر شماست که به جنگ پردازید / آیا سخنانم را باور می کنید؟» آنها با صدایی بلند و آشکار پاسخ دادند: آری.

او سخنان رسول خدا را بر مبنای حقیقت و صداقت توصیف می کند، به همین دلیل هم مردم به ایشان وفادار بودند.

قَالَهَا قَوْلَةً حَقًّا صَادِقًا	وَوَفِيًّا فَإِذَا النَّاسُ وَفِيَّةً (همان، ۱۱۹)
-----------------------------------	--

۳-۴ وفای به عهد و پیمان

یکی از اموری که در صدر اسلام سبب شد تا گروه های زیادی، اسلام را پذیرا شوند، پایبندی مسلمین به عهد و پیمان و مراعات سوگندهایشان بود. پیامبر اسلام که پیام آور وحی و فرمان الهی بود، الگو و آینه‌ی تمام نمای عمل به دستورات و فرامین الهی بود. ایشان سخت پایبند به عهد و پیمان بوده، به آن توصیه و سفارش می فرمودند و از خلف وعده و پیمان شکنی

به شدت منع می نمودند. امام علی (ع) در توصیف ایشان می فرماید: «كَانَ أَوْفَى النَّاسِ ذِمَّةً» (خویی، ۱۳۵۸، ۱۵/۵۸) رسول خدا از همه ی مردم نسبت به آنچه تعهد کرده بود، وفادارتر بود.

شکور به این ویژگی ایشان اشاره کرده و آن را یکی از خصوصیات می داند که موجب شد تا حضرت خدیجه به ایشان پیشنهاد تجارت به شام را بدهد. (نک: ابن هشام، بی تا، ۱/۱۸۸)

وَأَخْدِجَهُ» أَرْسَلْتَهُ بَعْدَمَا وَكَرِيمَ الْخُلُقِ، صَانَ الذَّمَّ مَا (۱۵،م۲۰۱۰)	فَأَلَى الشَّامِ مَشَى مُبْتَهَجًا خَبَرْتَهُ مُسْتَقِيمًا لَبِقًا
---	---

رسول خدا با نشاط به سوی شام روانه شد. خدیجه او را به شام فرستاد، / بعد از اینکه او را شایسته، سخنور، دارای کرامات اخلاقی و پایبند به عهد و پیمان یافت.

پیامبر پیمان های زیادی با افراد قبایل و طوایف گوناگون بست که بعضی از آنها مهم و دارای تأثیرات بزرگی بودند از آن جمله دو پیمان «عقبه»^۱ که شالوده ی حکومت اسلامی را تشکیل می دادند و بعدها تأثیرات بزرگی برجای نهادند.

توجه به اصل عهد و پیمان و رعایت آن، هم چنین محتوای این پیمان نامه ها، نشانگر اهمیت این اصل بوده و پایبندی شخص رسول خدا به عهد و پیمان، رعایت آن ها را تضمین می نموده است.

بیعت عقبه ی اولی در سال دوازدهم بعثت با عده ای از اهالی یثرب در عقبه صورت گرفت.

(ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۴۳۳؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ۲ - ۳۵۶؛ حلبی، ۱۴۲۷ق، ۲-۷)

شکور محتوای عهدنامه را اینگونه تبیین می کند:

أَنْهُمْ لَنْ يُشْرِكُوا لَنْ يَأْتَمُوا الْوَالِدَ لَنْ يَسْرِقُوا، لَنْ يَنْدُمُوا إِنْ وَقَفُوا بِالْعَهْدِ حَالًا كُرُمُوا أَمْرُهُمْ لِلَّهِ فِيهِ يَحْكُمُ	بِأَيْعُوهُ الْبَيْعَةَ الْأُولَى عَلَيَّ أَنْهُمْ لَنْ يَكْذِبُوا لَنْ يَقْتُلُوا يَتَّبِعُونَ اللَّهَ فِي مَعْرُوفِهِ وَإِذَا مَا أَهْمَلُوا وَعَصَوْا
---	---

۱. عقبه همان جمره عقبه در منی است. مکانی که مسجد البیعه نیز در کنار آن قرار داشته است. (الحموی، ۱۹۹۰م، ۴/۱۳۴)

وَعَلَى الْعَهْدِ جَمِيعًا أَقْسَمُوا (۲۰۱۰م، ۹۳)	كان ذاك العهدُ جهراً في منى
--	-----------------------------

آنها با پیامبر بیعت کردند که: هرگز شرک نوززند، هیچ گناهی مرتکب نشوند، / دروغ نگویند، فرزندانشان را نکشند، دزدی نکنند و پشیمان نشوند، / در کارهای نیک از خدا پیروی کنند، اگر به عهد خود وفا نمایند، مورد کرامت واقع می شوند / و اگر سستی کنند و در مقابل فرمان الهی عصیان ورزند، خداوند در موردشان حکم می کند. / آن عهد و پیمان، بیعتی آشکار در منی بود که همگی به آن سوگند یاد کردند.

در بیعت عقبه ی ثانی نیز تعدادی از مردم یثرب بارسول خدا بیعت کردند تا به دفاع از ایشان پردازند. در آن زمان که رسول خدا سخت در معرض تهدید مشرکان بود، آنها با پیامبر عهد و پیمان بستند که در سختی و آسایش از ایشان اطاعت و فرمانبرداری کرده و در دفاع از ایشان و آرمان ها و اهداف و الایشان کوتاهی نکنند. (ابن هشام، بی تا، ۴۳۸/۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ۲۵۳/۱) شکور گفتگوی رسول خدا با گروه یثربیان را به تصویر کشیده و محتوای پیمان نامه را بیان می کند:

وَبَعْدَهَا تَكَلَّمُ الرَّسُولُ تُبَايِعُونَ رَغْبَةً وَطَاعَةً وَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْمَعْرُوفِ تَحْيَوْنَ فِي اللَّهِ الْهِنَاءَ الدَّائِمَ	تَلَابُنُودَ يَبْعَةً تَقُولُ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ ذَوِي مَنَاعَةٍ تَنْهَوْنَهُمْ عَنِ مُنْكَرٍ مُخِيفٍ وَفِيهِ لَا تَخْشَوْنَ لَوْمَةَ الْأَلَانِمِ (۲۰۱۰م، ۹۷)
--	---

آنگاه پیامبر لب به سخن گشود و بندهای بیعت را یک به یک بیان فرمود: / با رغبت و اطاعت بیعت کنید، در سختی و آسایش مصون و محفوظ خواهید بود. / مردم را به معروف امر کنید و از منکر باز دارید. / در راه خدا، نیکی های دائمی را زنده نگه دارید و از سرزنش هیچ ملامتگر بیم نداشته باشید.

سپس پاسخ یثربیان به رسول خدا را به زیبایی ترسیم می نماید، آنان در پاسخ به رسول خدا چنین گفتند:

بِكْ نَبِيًّا جَادَتِ السَّمَاءُ وَنَابِتًا مَعَزَّزًا كَأَرْضِنَا (همانجا)	مُبَايَعًا أَجَابَهُ الْبَرَاءُ لَنَمْنَعَنَّكَ سَالِمًا كَعَرْضِنَا
---	---

از میان گروه بیعت کنندگان براء پاسخ داد: ای پیامبر با تو بیعت می کنیم که تو هدیه ای از جانب آسمان برای ما هستی. / پیمان می بندیم که همچون زن و فرزند و سرزمین خویش از تو حمایت کنیم.

۴-۴ صبر و استقامت در راه عقیده

از ویژگی های بسیار مهم رسول خدا استقامت و پایداری در راه تحقق ارزش های الهی بود. علی رغم اتهام ها، ملامت ها، مشکلات مادی و معنوی، شکنجه های روحی و جسمی در برابر سران شهر مکه، با بردباری و شکیبایی و استقامت عمل نمود. حضرت علی علیه السلام در وصف ثبات و پایداری ایشان نسبت به تحقق آیین اسلام چنین می فرماید: «وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، دَعَا إِلَى طَاعَتِهِ وَقَاهَرَ أَعْدَاءَهُ جِهَادًا عَنِ دِينِهِ لَا يَثْنِيهِ عَنِ ذَلِكَ اجْتِمَاعُ عَلِيٍّ تَكْذِيبُهُ وَالْتِمَاسُ لِإِطْفَاءِ نُورِهِ» (خطبه ۲۳۶) گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده ی اوست. انسان ها را به اطاعت از خداوند دعوت فرمود و با دشمنان خدا در راه دین پیکار کرد و پیروز شد و هیچ گاه هماهنگی دشمنانش در تکذیب و خاموش ساختن نور او، وی را از کوشش در راه آیینش باز نداشت.

تعبیر مشهور رسول خدا در برابر تهدیدها و تطمیع های سران قریش به روشنی دلالت بر همین استواری و جدیت در راه هدف دارد. آنجا که فرمودند: «به خدا قسم اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپ من بگذارند، هرگز دست از این کار نخواهم کشید.» (ابن هشام، بی تا، ۲۸۵-۲۸۴)

جایگاه هدایت و رهبری، مقاومت در برابر ظلم و ستم جائران و صبر در سخت ترین شرایط برای رسیدن به اهداف متعالی، ویژگی های خاصی در رسول خدا است که مورد اقبال و توجه خاص شگور واقع شده است. شاید بتوان دلیل این رویکرد را اینگونه بیان کرد که جورج شگور یکی از اولین شاعران مقاومت بوده و ستمگری های موجود در جهان عرب و عدم توجه

آنها به مسائل فلسطین و دیگر کشورهای مورد ستم، از دغدغه های این شاعر است، بدین جهت این ویژگی رسول خدا مورد توجه او واقع شده است.

وی به تعبیر مشهور رسول خدا در برابر تهدیدها و تطمیع های مشرکان نیز اشاره می کند:

فَأَجَابَهُ يَا عَمُّ لَوْ وَضَعُوا بَكَفٍ وَاللَّهِ مَا أَنَا تَارِكُ الْأَمْرِ الَّذِي وَكَذَاكَ فِي كَفِّي الْيَسَارِ الْبَدْرُ لَنْ	فِي الشَّمْسِ كَيَّ عَنِ مُبْتَغَايَ أَمِيلُ أَرْضِي وَلَنْ يَبْدُو لَدَيَّ قَبُولُ أَسْعَى إِلَيْهِ وَالْمَجَالُ طَوِيلُ (م، ۲۰۱۰، ۵۱)
---	--

پیامبر پاسخ دهد: ای عمو اگر خورشید را در دست راست من قرار دهند تا از هدف خود دست بردارم / و ماه را در دست چپ من قرار دهند راضی نشده و آن را نخواهم پذیرفت. / به خدا سوگند، این رسالت را که برای آن تلاش می کنم ، رها نخواهم کرد و راه دشواری در پیش است.

او با اشاره به انواع آزار و اذیت مشرکان بر این نکته تأکید می کند که پیامبر اسلام هرگز از تبلیغ دین آسمانی دست برنداشته و ذره ای شک و تردید در عقیده اش وارد نگردید.

سَامَ النَّبِيِّ الْمُشْرِكُو أَوْصَى أَبُو لَهَبٍ لَثِي	نَ جَمِيعِ أَنْوَاعِ الْعَذَابِ مَهُمُّ بِفَاحِشَةٍ وَعَابِ (همان، ۴۲)
---	--

مشرکان از هیچ نوع اذیت و آزاری در حق پیامبر* کوتاهی نکردند. / ابولهب، بدسیرتی که دیگران را و او می داشت تا کارهایی زشت و ناپسند در حق پیامبر و مسلمانان انجام دهند.

وَرَأَتْ قَرِيشٌ مُحَمَّدًا لَمْ يَتْنِهْ	عَنْ عَزْمِهِ ذَاكَ السُّلُوكُ الْأُرْعَنُ (همان، ۴۰)
---	--

قریش یقین کرد که رفتار ناشایست آنها از عزم و اراده ی پیامبر نکاسته است.

أَمَّا النَّبِيُّ فَظَلَّ يُطْ لَا شَيْءَ يَصْرِفُهُ عَنِ الرَّ	لَقَدْ دَعَا مَلَأَ الْفَمِ رُؤْيَا وَوَحَى الْمُلْهِمِ (همان، ۴۴)
--	--

اما پیامبر با صدایی رسا مردم را به دین الهی دعوت می کرد. / هیچ چیز یارای آن را نداشت
تا او را از تحقق این رؤیا و وحی الهی باز دارد.

وَرَأَتْ قَرِيشٌ أَنْ كَفَّ مُحَمَّدٌ هِيَ دَعْوَةٌ لِلَّهِ أَرْسَلَهُ لَهَا	عَمَّا نَوَاهُ مَا إِلَيْهِ سَبِيلٌ أَيْشِيحُ عَنْ وَحْيِ الْإِلَهِ رَسُولٌ؟ (همان، ۵۰)
---	---

قریش یقین کرد که هیچ راهی محمد را از راه خود باز نمی دارد. / خداوند او را با آیین
اسلام مبعوث کرده است. آیا فرستاده ی خداوند از وحی او روی می گرداند؟

عَادَ مِنْ شَعْبِ الْأَبِيِّ وَلَكِنْ ظَلَّ يَسْعَى وَبِالرَّسَالَةِ قَائِمٌ	(همان، ۷۲)
---	------------

پیامبر از شعب اُبی طالب بازگشت در حالی که همچنان پا برجا و استوار بر تبلیغ رسالت
خود بود.

نتایج مقاله

در دوره ی معاصر که گسترش روز افزون مسلمانان در دنیای غرب، موجب گردیده است تا تلاش اسلام ستیزان برای تخریب شخصیت رسول خدا افزون شود و دین اسلام، دین زور و شمشیر معرفی گردد، هنوز هستند انسان های حق جو و حقیقت طلبی که تحت تأثیر تبلیغات فریبنده واقع نشده و برای رسیدن به حقیقت، از مرز ادیان عبور کرده، واقعیات را نگریسته و با دیده ی انصاف به ترسیم سجایا و فضایل اخلاقی رسول خدا پرداخته اند و بر خود لازم دانسته اند تا با زبان ادبیات، آن را به جهانیان عرضه نمایند. جورج شکور ادیب معاصر مسیحی از لبنان نیز در ملحمة الرسول بر این موضوع اهتمام ورزیده و اسلام را پیام آور صلح و دوستی معرفی می کند و مهمترین دغدغه ی پیامبر را گسترش امنیت و روح برادری می شمرد. وی بر این نکته تأکید می ورزد که رسول خدا میراث دار و ادامه دهنده راه رسولان گذشته است.

شکور ضمن بیان وقایع و حوادث زندگی رسول خدا به تبیین ویژگی ها و فضایل اخلاقی ایشان پرداخته است. وی امانتداری، صداقت و راستگویی، وفای به عهد و صبر و استقامت در راه عقیده را از ویژگی های ایشان برشمرده و بر این موضوع تأکید می ورزد که این خصوصیات در رسول خدا موجب گردیده است که دل ها مجذوب و شیفته ی او گردد و انسان های حقیقت طلب را به خود جلب نماید.

به نظر می رسد بی عدالتی، روحیه ی سازش طلبی سران عرب، فقدان رهبری واحد در میدان مبارزه و فساد رهبران حاکم از جمله عواملی بوده که موجب گردیده شکور به برخی از صفات و ویژگی های رسول خدا توجه ویژه نماید.

کتابشناسی

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۲۰۰۵م). *لسان العرب*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد. (۱۳۷۹ق). *مناقب آل ابی طالب*، قم: المطبعة العلمیة.
- ابن هشام، عبد الملک. (بی تا). *السیرة النبویة*، بیروت: دارالمعرفة.
- امینیان، بهادر. (۱۳۸۷). *اسلام ستیزی در غرب: دلایل و ویژگی ها*، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۲(۱)،

۱۰۵-۱۲۱

- بقاعی، شفیق (۱۹۸۵م) *الأنواع الأدبیة*، بیروت: بی نا.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۴۱۷ق). *أنساب الأشراف*، بیروت: دارالفکر.
- حلبی، نورالدین. (۱۴۲۷ق). *السیرة الحلبیة*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- حموی، یاقوت. (۱۹۹۰م). *معجم البلدان*، بیروت، دارالکتب الاسلامیة.
- خفاجی، محمد عبد المنعم. (بی تا). *الادب العربی الحدیث*، بیروت: مكتبة الكليات الازهریة.
- خویی، حبیب الله. (۱۳۸۵ش). *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، تهران، مكتبة الاسلامیة.
- داغر، ریما، ایمیل، ۱۳۹۱/۱۰/۱۰
- راوندی، فضل الله. (۱۳۷۰ق). *النوادر*، قم: دارالکتب.
- سلامة، بولس. (۱۴۱۰ق). *عید الغدیر*، تهران: المؤسسة الثقافیة أنصار الحسین.
- شکوری، جورج، مصاحبه، جریة القبس، ۲۰۰۶/۹/۶
- همو. (۲۰۱۰م). *ملحمة الرسول*، لبنان: بی نا.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۷ق). *تاریخ الأمم والملوک*، بیروت: دار التراث
- کارلسون، اینگمار. (۱۳۸۰). *اسلام در اروپا همزیستی یا خصومت*، ترجمه داوود وفاپی و منصوره حسینی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- کزازی، میر جلال الدین. (۱۳۷۶). *رویا، حماسه، اسطوره*، تهران: نشر مرکز.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۲ش). *اصول کافی*، تهران: انتشارات اسلامیة.
- متقی هندی، علی. (۱۴۱۳ق). *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*، بیروت: مؤسسة الرسالة.

مقریزی، تقی الدین.(۱۴۲۰ق). إمتاع الاسماع بما النبی من الاحوال و الاموال والحفدة والمتاع، بیروت:
دار الکتب العلمیة.

مقدسی، انیس.(۱۹۸۲م). الإتجاهات الأدبیة فی العالم العربی الحدیث، بیروت: دارالعلم للملایین.

هلال، غنیمی محمد.(۱۹۶۲م). الادب المقارن، بیروت: دار الثقافة.

یعقوب، امیل بدیع.(۱۴۲۵ق). معجم الشعراء منذ بدء عصر النهضة، بیروت: دارصادر.

۲۰۱۲ on ۲۱ Novembe ، www.tabnac.ir ، مصاحبه با شکور